

- چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۰۰**

سپهرغرب، گروه فرهنگی: کتاب علی آقا زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم علی یزدانی توسط انتشارات روایت فتح منتشر شد.

«علی آقا» روایت مردی است که چون نسیم می‌آید به زندگی ات خنکای جان بخشی می‌وزد

و می‌رود. اما یاد آن خنکا تا آخرین لحظات حیات با تو باقی خواهد ماند. روایت پسری یزدانی نخوان و عاشق سینما. روایت جوانی که آرام ندارد و اگر هم بخواهد آرام بگیرد دست روزگار او را می‌کشد وسط ماجراهای پر شور و شر ایام. اما بیشتر از همه روایت

مردی است دلپاخته که تا بغواهی رفیق است و آقا مهندس. این کتاب داستان زندگی مردی معمولی نیست. تا بغواهی عصبانی ات می‌کند. کفریات می‌کند. متعجبت می‌کند و در نهایت او را دوست خواهی داشت و برایش دلنتگ می‌شوی.

برشی از متن کتاب:
علی آقا همیشه حال و هوای کسی که سفر می‌رود با کسی که می‌ماند فرق دارد. تو هم مثل همه آن‌هایی که سفر می‌روند دلت شاد بود و خبر نداشتی زهرایت تا بغل خاله اش نشست شروع کرد به گریه کردن، آن قدر که اشک زهره‌سادات را هم

ایران را باید دوباره روایت کرد

نسل امروز اگر تاریخ ایران را بشناسد، وطن را دوست خواهد داشت

زبان، حافظه و هنر؛ سه ستون هویت ملی/ تاریخ فقط گذشته نیست، مسئولیت امروز ماست

در زمینه پرورش حس هویت ملی و حب وطن چگونه است؟

نیازی به بررسی خاصی نیست. شما از نخستین جوانی که می‌بینید بپرسید درباره تپه حسنلو و جام طلای آن، چه می‌دانند، یا مثلاً درباره غار اسرارآمیز کلماکره و قصه جالیش چیزی شنیده؟ یا مثلاً بپرسید می‌دانستی نخستین پویانمایی جهان روی سفالینه‌ای از شهر سوخته اجرا شده؟ این جوان‌ها در همین آموزش و پرورش درس خوانده‌اند و از قصه‌های تاریخی بی‌خبرند.

■ **به‌نظر شما چه کاستی‌هایی در محتوای آموزشی مدارس و شیوه‌های تدریس وجود دارد که موجب فاصله گرفتن دانش‌آموزان از تاریخ و فرهنگ خود شده است؟**

شیوه‌های آموزش به‌شدت قابل نقد است. روخوانی از متن کتاب و الزام دانش‌آموزان به حفظ مطالب برای نمره گرفتن، متأسفانه هنوز هم رایج‌ترین شیوه تدریس تاریخ است.

■ **پس روش‌های فعلی تدریس تاریخ، ادبیات و مطالعات اجتماعی نیازمند بازنگری جدی‌اند؟**

بله. نتیجه این شیوه تدریس را که دیده‌ایم، بهتر است تدریس با شیوه روایت‌محور و پژوهش‌محور و به‌کارگیری فنون بازسازی (کیمیفیکیشن) را ارزیابی کنیم. به عقیده من، این شیوه‌ها می‌توانند نگاه دانش‌آموزان به تاریخ را زیر و رو کنند.

■ **به‌نظر شما چه تغییراتی می‌تواند در نظام آموزشی ایجاد شود تا حس مسئولیت، آگاهی تاریخی و تعلق فرهنگی در دانش‌آموزان تقویت شود؟**

و بر آداب و رسوم، باورها، فرهنگ و هنر تمرکز داشته باشیم، می‌توانیم درباره شیوه زندگی مردمان شکارچی– گردآور ساکن فلات ایران تحقیق کنیم.

یا اگر از منظر «دیرینه‌شناسی انسان» (پاثوآنتروپولوژی) به ایران نگاه کنیم، شگفت‌زده خواهیم شد. برای نمونه، دکتر حامد وحدتی‌نسب و گروه باستان‌شناسی‌اش، در حال کاوش در غار قلعه‌کرد قزوین، شواهدی از استقرار انسان در فلات ایران با قدمتی در حدود ۵۰۰ هزار سال یافته‌اند.

این کشف، نظریه‌های مربوط به تاریخ استقرار انسان در ایران را دگرگون کرده است. در واقع، غار قلعه‌کرد قزوین یکی از کهن‌ترین محوطه‌های استقراری در تمام منطقه جنوب‌غرب آسیا به‌شمار می‌آید.

■ **با توجه به پیشینه درخشان این سرزمین، چرا امروزه در بخشی از جامعه، حس غرور نسبت به این میراث بزرگ تا حدی تضعیف شده است؟**

من آموزش و پرورش را در این زمینه به‌شدت مقصر می‌دانم، چون بچه‌ها از ۶ تا ۱۸ سالگی، مفیدترین زمان روز و بهترین سال‌های یادگیری‌شان را در مدرسه می‌گذرانند.

معلمان تاریخ باید با هدف آگاهی‌بخشی و پرورش حس وطن‌دوستی، تاریخ را به شکلی جذاب و شیرین روایت کنند.

* به آموزش و پرورش عملکرد رضایت‌بخشی ندارم؛ ارزیابی شما از عملکرد نظام آموزشی،

نفوذ واژه‌های بیگانه که نماد نوع خاصی از سبک زندگی هستند و عدم دقت در نگارش و گفتار که محصول سرعت ارتباطات جهان مجازی است، زبان فارسی را چه در حوزه نوشتار و چه گفتار تهدید می‌کند.

ارتباط زبان و هویت ملی مبحث مفصلی است. همین‌قدر بدانیم که زبان صرفاً ابزار ارتباط نیست؛ ما به کمک زبان جهان و زندگی را می‌فهمیم. تضعیف زبان یک ملت ارتباط او را با گذشته منقطع و هویت ملی‌اش را دستخوش گسست خواهد کرد.

■ **در متون ادبیات فارسی، به‌ویژه در آثار کلاسیک، نشانه‌هایی از وطن‌دوستی و عشق به سرزمین دیده می‌شود؟ آن آثار بیشتر بر چه جنبه‌هایی تمرکز دارند؟**

ادبیات اسطوره‌ای و ملی‌ما حول مفهوم وطن‌دوستی می‌چرخد و در آن بر جنبه حفظ وطن از شر دشمن و بیگانگان تأکید شده است. پهلوانان اسطوره‌ای و قهرمانان ملی‌ما نیز در حال دفاع از وطن تصویر شده‌اند. همین نگاه در طول تاریخ گسترده شده و بر قاصت شخصیت‌های مختلفی، از پهلوانان تا شهدا، منطبق شده است.

■ **جامگاه «حافظه تاریخی» در فرهنگ امروز ایرانیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

نخست باید پرسیم؛ حافظه تاریخی چگونه پرورش پیدا می‌کند و چه کاربردی دارد؟ برای پرورش حافظه تاریخی، باید نظام آموزشی تقکر‌محور داشته باشیم، نه حافظه‌محور.

تفکر انتقادی باعث می‌شود نسل جدید بتواند روایت‌های مختلف تاریخی را بررسی کند. در این صورت، حافظه تاریخی به او کمک خواهد کرد تا وقایع و رویدادها را از منظر بلند تاریخ ببیند و بهتر بشناسد.

■ **آیا شما بر این باورید که شناخت و افتخار به گذشته باشکوه تاریخی، می‌تواند در تقویت حس وطن‌دوستی مؤثر باشد؟ یا پذیرش جنبه‌های تلخ تاریخ نیز در این مسیر ضرورت دارد؟**

وقتی درباره تاریخ حرف می‌زنیم، باید تمام جنبه‌ها را بشناسیم؛ از افتخارات تا شکست‌ها. مجموعه این‌ها ما را به شناخت و آگاهی می‌رساند و از این آگاهی، عشق و تعلق خاطر به‌وجود می‌آید.

■ **برخی معتقدند که تاریخ، مسئله‌ای مربوط به گذشته است و اولویت امروز جامعه مسائل اقتصادی و معیشتی است. نظر شما درباره این دیدگاه چیست؟**

به چنین اولویت‌بندی قائل نیستم. به‌نظرم آگاهی نسبت به تاریخ و علاقه و دلبستگی به وطن مهم است و هیچ تناقضی با رسیدگی و توجه به مسائل معیشتی و اقتصادی ندارد.

■ **هنر ایرانی، اعم از معماری، موسیقی، خوشنویسی و سایر شاخه‌ها، چه نقشی در انتقال و ترویج حس تعلق به سرزمین ایفا کرده است؟**

درآورد. تنها وحیده‌سادات بود که آرام به علی آقای اذان‌گوی نظر کرده مهربان شیطان عاشق سینمای خیلی مرد درس نخوان درس بلو رفیق بصیر دلسوز دل‌داده حواس جمع دل قرص‌کن نان حلال خور دل‌کنده پدر مهندس

قطعهٔ هنر پرافتخار ایران در طول تاریخ کهن، عرصه تجلی و ظهور احساسات، اندیشه‌ها و باورها بوده است.

اگر در تاریخ به عقب بازگردیم، به سفالینه‌ها و هنرهای دستی می‌رسیم که نقوش متنوعی از حیوانات و تصاویری از آداب و رسوم و سبک زندگی انسان در آن‌ها نقش بسته است.

اگر ادامه دهیم و هنر ایران در دوران اسلامی را بکاروبیم، باز هم به آیینه‌ای از سبک زندگی و اعتقادات مردم آن دوران خواهیم رسید.

تلاش مردمان این سرزمین برای تولید آثار هنری و ثبت اعتقادات در قالب هنر، به واقع تلاشی برای حفظ و تداوم فرهنگ این مرز و بوم بوده است.

■ **آیا تضعیف هنر ملی می‌تواند به کاهش حس هویت و وطن‌دوستی در نسل‌های آینده بیانجامد؟**

هنر وسیله‌ای برای بیان احساس است. تضعیف هنر ملی باعث قطع ارتباط عاطفی و احساسی نسل جدید با وطن خواهد شد.

آن کسی که معماری ایرانی، خوشنویسی، نگارگری، قالی‌بافی، معماری و سایر هنرهای اصیل را می‌شناسد، ارتباط و علاقه محکم‌تری با وطن دارد به نسبت کسی که هیچ شناختی از هنر ملی ندارد.

■ **چه راهکارهایی را برای بازآفرینی پیوند نسل جدید با هنر و فرهنگ ایرانی پیشنهاد می‌فرمایید؟**

پیش از آموزش نسل جدید، باید بیاوریم که بطور آموزش دهیم. این اصل مهمی‌ست. شیوه‌های نوین و تعاملی آموزش قطعاً در ایجاد پیوند مؤثر خواهد بود.

■ **از دیدگاه شما، تفاوت میان وطن‌دوستی و ملی‌گرایی افراطی در چیست؟**

به‌نظر من حس وطن‌دوستی برخاسته از آگاهی و شناخت تاریخ است، اما حس ملی‌گرایی اگر به افراط و باور برتری قومی و نژادی برسد، قطعاً محصول ناآگاهی و تعصب کورکورانه است.

■ **در جهانی که بسیاری از جوانان ایرانی به مهاجرت می‌اندیشند و گاه نسبت به کشور خود احساس بیگانگی دارند، حب وطن چگونه معنا پیدا می‌کند؟**

در مورد مهاجرت، به‌نظرم باید به این نکته دقت کنیم که هر مهاجرتی الزاماً مغایر با حب وطن نیست و هر کسی که در مملکت مانده و قطعاً محصول پذیرفتن، الزاماً از سر حب وطن چنین نکرده است.

اما در مورد حس بیگانگی به وطن باید صحبت کرد.

آسیب به محیط زیست، میراث فرهنگی، خودباختگی در برابر مناسک و زبان بیگانه، و ناآگاهی از مراسم ایرانی و زبان فارسی، همه را می‌توان زیرمجموعه همان حس بیگانگی به وطن دسته‌بندی کرد.

■ **اگر بخواهید پیامی به نسل جوانی بدهید**



شانسورای جامانده مصممِ عازمش فکر می‌کرد. کتاب علی آقا در روزهای نخستین زمستان ۱۴۰۳ در ۲۱۶ صفحه به قلم سمانه خاکبازان توسط انتشارات روایت فتح منتشر و روانه بازار نشر شد.

که از شرایط موجود خسته و نسبت به وطن دلسرد شده‌اند، آن پیام چه خواهد بود؟

بی هیچ اغراق و تعارفی به جوانان حق می‌دهم که دلزده و دلسرد باشند. جوانی دوران شور و سرزندگی است و به همین علت مشکلات و آسیب‌ها تأثیر بیشتری بر روحیه جوان می‌گذارند. ولی آن‌که وطنش را دوست ندارد، دچار احساس بی‌تفاوتی و بیگانگی می‌شود، نه دلسردی و خستگی.

واقعیت این است که قلب همین جوان‌های خسته از شرایط، برای ایران می‌تپد. باید دسترسی به مسئولان داشته باشیم و توصیه کنیم که بچه‌ها سرمایه‌های فردای این وطن هستند؛ به آموزش و پرورش آن‌ها و شکوفایی حس وطن‌دوستی در وجودشان اهمیت بدهید.

■ **به‌نظر شما وطن‌دوستی صرفاً یک احساس طبیعی است یا قابلیتی است که باید آن را آموخت و پرورش داد؟**

بدون شک حسّی است که باید پرورش داد. کودکی‌را تصور کنید که مادرش قصه‌ای شگفت‌انگیز و جذاب از شهر اسرارآمیزی می‌گوید به اسم شهر سوخته، شهری با فرهنگی غنی و مردمانی باهوش و زکاوَتی عجیب که نخستین چشم مصنوعی جهان را اختراع کرده‌اند و در پایان تأکید می‌کند که این قصه واقعی است و این شهر در ایران ماست.

این کودک در حس افتخار به وطن، با کودکی که هرگز تاریخ با قصه‌های جذاب برایش روایت نشده، یکی خواهد بود؟

■ **ممنون از وقتی که به ما دادید؛ در پایان، اگر بخواهید یک جمله، مفهوم وطن و عشق به این سرزمین را برای نسل امروز تعریف کنید، نه فقط به‌عنوان یک مفهوم تاریخی یا فرهنگی، بلکه به‌عنوان یک مسئولیت انسانی، آن جمله چیست؟**

نسل در نسل، پشت در پشت، از دوران کهن مردان و زنان غیوری بوده‌اند که در راه حفظ این مرز و بوم با جان و دل تلاش کرده‌اند. امروز نوبت حفظ این فرهنگ و این خاک به ما رسیده است. آگاه باشیم و دیگران را آگاه کنیم؛ این مهم‌ترین مسئولیت ماست.

■ **ایران تنها یک نام نیست...**

گفت‌وگوی پیش‌رو، نه صرفاً درباره واژه «وطن» بلکه درباره ریشه‌های عاطفی، فرهنگی و تاریخی ما با این سرزمین است؛ ریشه‌هایی که گاه در هیاهوی روزمرگی و بی‌توجهی، پنهان می‌مانند. اما آنچه روشن است، اینکه حب وطن را باید آموخت، پاس‌داشت و منتقل کرد. نه با شعار، بلکه با شناخت، تجربه و آموزش مؤثر. مسئولیت ما در قبال این خاک، فراتر از مرزهای جغرافیاست؛ مسئولیتی است فرهنگی، اخلاقی و تاریخی. شاید تغییر از بالا دشوار باشد، اما از پایین، از کلاس‌های درس، از قصه‌های شبانه، از موزه‌ها و حتی از نگاه کنجکاو یک کودک آغاز می‌شود. ایران، تنها یک نام نیست؛ حافظه جمعی نسل‌هایی است که آمده‌اند تا آن را زندگی کنند، نه فقط زندگی در آن.

سپهرغرب، گروه فرهنگی: پژوهشگر و استاد دانشگاه با بیان اینکه هنر انقلاب، یک هنر ویژه است که مختصات آن از دل انقلاب و آرمان‌گرایی درآمده است، گفت: واقعیت این است که هنری که از دل انقلاب اسلامی درآمد، نه هنر قرون وسطای مسیحی، نه هنر یونانی، نه هنر قرون مدرن و دوران رنسان و نه هنر معاصر است.

هنر انقلاب دمیده از روح انقلاب است و به تعبیر امام خمینی (ره) «هنر دمیدن روح تعهد است در کالبد انسان‌ها»، «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی و اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلام اسلام آمریکایی باشد».

مسیر هنر انقلاب با انقلاب ۵۷ در عرصه‌های مختلف و متنوع شعر، ادبیات، سرود و موسیقی، فیلم و هنرهای تجسمی شروع و گفتمان جدیدی را در عرصه هنر به ارمان آورد. حمید سبزواری، سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور، محمدرضا لطفی، فرح‌الله سلحشور، ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید معینی، حبیب‌الله صادقی و کاظم چلیپا از هنرمندان آغازگر هنر انقلاب به‌شمار می‌آیند.

استاد دانشگاه و پژوهشگر با بیان اینکه تعداد نویسندگان، شاعران، داستان‌نویسان و هنرمندان ما در عرصه‌های مختلف پیش و قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست، به خبرنگار ایمنا اظهار می‌کند: ما پس از پیروزی انقلاب

اسلامی تعداد زیادی زن هنرمند داریم که هرکدام صاحب‌نظر، کرسی، تألیف و کتاب هستند.

شهریار زرشناس، به دستاوردهای انقلاب می‌پردازد و می‌افزاید: از نظر تئوریک شاهدیم با انقلاب اسلامی جهش قابل توجهی در تمام حوزه‌ها صورت گرفته است؛ انقلاب به طور کلی دو دستاورد بزرگ دارد: نخستین دستاورد، استقلال سیاسی ایران بود؛ چیزی که دو قرن بود، نداشتیم. از آغاز قاجاریه تاحدودی و به‌طور مشخص از دوره فتحعلی‌شاه استقلال سیاسی ما سیستماتیک تضعیف شد و از بین رفت، بنابراین ما از دوران فتحعلی‌شاه استقلال سیاسی نداریم و سفارت‌خانه‌ها برای ما تصمیم‌گیری می‌کنند و به‌طور مداوم در عصر امتیازات و واگذاری به سر می‌بریم، یعنی یا امتیاز می‌دهیم یا قسمتی از خاکمان را می‌دهیم.

وی ادامه می‌دهد: پس از مشروطه همه گزاره‌های سیاسی کلان ما توسط امپریالیسم پیاده می‌شد، تا پیش از این مقطع حکومت‌ها حاصل ستیز قبایل، ایلات، عشایر و جنگ‌های داخلی بودند، اما پس از مشروطه، تمام حکومت‌ها با کودتا سرکار آمدند که کودتاهای امپریالیسم بودند. این مسئله نشان می‌دهد که استقلال از بین رفته بود، یعنی سفارت‌خانه‌ها برای ما تصمیم می‌گرفتند که چه کسی سر کار باشد و شاه شود و چه کسی نشود.

وی عنوان می‌کند: این بحران با انقلاب

مؤلفه هنر انقلاب، بازگشت به خویشتن است

کار تئوریک نکرده‌ایم



شکسته می‌شود. برای نخستین‌بار در تاریخ دول اخیر، ما صاحب استقلال سیاسی می‌شویم و تصمیم‌گیری در داخل صورت می‌گیرد، یعنی هیچ سفارت‌خانه و کشوری نمی‌تواند برای ما تصمیم بگیرد.

همین امروز که ائتلاف بین‌المللی و انواع تهدیدها به‌راه می‌افتد، موفق نمی‌شوند و این ما را به‌دست تصمیم می‌گیریم که چه کنیم، مذاکره کنیم یا نکنیم، بنابراین در این مسیر گمشده

دانشگاهی ما وحشتناک از این مسئله غافل و دور است، اما این حرکت آغاز شده است.

وی طرح مسئله بازگشت به خویشتن از سوی انقلاب را یک مسئله جدی می‌خواند و تأکید می‌کند: با رخداد انقلاب مسئله بازگشت به خویشتن مطرح شد؛ تبلور ظرفیت‌های انسان ایرانی–اسلامی در مقابل تجددمآبی تحمیلی بود. وقتی انقلاب توانست پیروز شود، در بسیاری از حوزه‌ها توانست اصل بازگشت به خویشتن را در جاهایی تا حدی ناقص و در جاهای دیگری کامل‌تر جا بیندازد، در هنر نیز جا افتاد. واقعیت این است که هنری که از دل

انقلاب اسلامی درآمد، نه هنر قرون وسطای مسیحی، نه هنر یونانی، نه هنر قرون مدرن و دوران رنسان و نه هنر معاصر است.

انقلاب اسلامی ایران با احیای استقلال سیاسی و حرکت به سمت خودآگاهی تاریخی، زمینه‌ساز تحولی عمیق در عرصه‌های مختلف نقدان خودآگاهی را مطرح می‌کرد، داریوش رایگان بود که سال ۱۳۵۶ کتاب «آسیا در برابر غرب» را نوشت و شخصیت دیگر دکتر داوری است که بسیار در این خصوص حرف می‌زد که فقدان خودآگاهی تاریخی داریم؛ دیگر در این زمینه کسی را نداریم. پس از انقلاب این مسئله به یک مسئله عمومی تبدیل شد و به سطح روزنامه‌ها ما کشیده شد و پیش‌نیاز حرکتشان استقلال بود که به‌دست تاریخی و تکوین آن شکل گرفت. البته نظام